

به یاد و در سوگ
دکتر مسین فاطمی



منیر طه

ای سرور آزادگان، یادت گرامی باد

وقتی که آن ابله به اعدام تو فرمان داد،

وقتی هزاران جان کنار جان تو جان داد،

وقتی سرود «زنده بادت» بر لبست غلتید،*

خون خویشیت را ای به خون آغشته، فرمان داد

نام بلندت به پهنین ورد زبان باشد

راه و روندت به همای رفتن باشد

دیدي چسان در دام، خود گسترده، در افتاد؟

دیدمی که آن بیایه ابله چه رسوا شد؟

امروز چون دیروز باز از هول جان بگریخت

امروز چون دیروز در یگانگان آویخت

باردگر این بی خرد با سخت و خواری

آن آبروی رفته را بر روی نامش ریخت

آخر به دلمان که ریزم اشک این غم را

آخر کرا گویم غم این درد و ماتم را

آوخ که می سوزد هنوز آن خانه دریداد

شاداکه رفتی و ندیدی این جهنم را

هرگز پنداری که یادت می رود از یاد

هرگز پنداری که خاموش است این فریاد

آزادگی بیاید هر آزاده، می بالد

ای سرور آزادگان، یادت کرامی باد

* «مانده ایران، زنده باد دکتر مصدق» آخرین کلامش در گذرگاه.